



ابعاد قابلیت زندگی محیط در عمل

مقایسه‌ی تطبیقی برنامه‌های امریکا، انگلستان و استرالیا

مرجان نعمتی‌مهر^{۱*} و علی غفاری^۲

۱- استادیار گروه برنامه‌ریزی و طراحی مجتمع‌های زیستی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

۲- استاد گروه برنامه‌ریزی و طراحی مجتمع‌های زیستی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۲

Livability Attributes in Practice - A Comparative Comparison of Livability Agendas in the USA, UK and Australia

Marjan Nematimehr^{1*} and Ali Ghaffari²

1-Assistant Professor, Department of Urban Design and Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University.

2-Professor, Department of Urban Design and Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University.

Abstract

The relational quality of the human and living environment, which is called Livability, is one of the most fundamental qualities of the environment. The term livability means the degree to which the environment supports living process of residents. Review of policy plans and several agendas shows that the quest for livability is currently a key urban issue throughout the world. It is an ensemble concept whose factors include or relate to a number of other complex characteristics or states, including, quality of both life and place which is referred to the ability of a place or a community to meet the needs of its citizens. Although the definition of livability varies from community to community, a given community's goals can be approached, and community planning for livability can be achieved, using community-derived indicators. At the same time, community efforts were launched across the country to identify indicators of livability. This article aims to review of the agendas for developing these measures. The task presented to this committee was broad, encompassing identification of the data and measures needed to make local and regional public decisions on transportation, land use planning, and economic development that aim to enhance livability. Through the review of livability agenda in the three areas - the United States of America, United Kingdom and Australia - it became clear that, in the late 1980s, livability emerged as a key concept in USA with an emphasis on economic dimension. In the UK through the definition of the Office of the Deputy Prime Minister, livability was at the core of urban neighborhood planning. It is important for a neighborhood to provide a quality and good environment which is clean, safe and green. The Western Australian Planning Commission in Australia also defines that *Liveable Neighbourhoods* has been prepared to implement the objectives of the state planning strategy which aims to guide the sustainable development of communities. Whilst we believe that there are specific differences between scales of livability agenda in these areas, nevertheless, the similarities are much greater.

Keywords: Livability Agenda, Environment, Attributes, USA, UK, Australia.

چکیده

کیفیت رابطه انسان و محیط زندگی او (محل، شهر، منطقه و...) با عنوان قابلیت زندگی شناخته می‌شود. قابلیت زندگی محیط یکی از اساسی‌ترین کیفیت‌های محیط است که در حقیقت بیانگر میزان حمایت‌کنندگی محیط از فرایند زندگی ساکنان آن محیط است. مطالعه برنامه‌های سیاست‌گذاری، بیانیه‌های سیاسی و گزارش‌های متعددی که با هدف ارتقاء قابلیت زندگی محیط‌های متفاوت اعم از ایالت‌ها، شهرها، و محله‌های شهری تهیه شده است، نشان می‌دهد که قابلیت زندگی دغدغه‌ای جدی در میان طراحان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران حوزه طراحی محیط است و علی‌رغم تلاش‌های بسیار، هنوز ابعاد مشخصی برای ارزیابی قابلیت زندگی یک محیط، ارائه نشده است. بخشی از این عدم موفقیت را می‌توان در پیچیدگی این مفهوم دانست؛ وجود واژه "زندگی و زیستن" در ساختار واژه و تعاریف متفاوتی که از آن استنتاج می‌شود، طیف وسیعی از ابعاد را در برمی‌گیرد. بخشی دیگر را نیز می‌توان منتج از فقدان مطالعه جامع گزارشات، برنامه‌ها و اسناد تهیه شده در این حوزه دانست. این مقاله، با مطالعه اسنادی و بررسی برنامه قابلیت زندگی در سه بستر امریکا- حوزه‌ی ظهور و نشر این ایده- انگلستان و استرالیا، تفاوت نوع نگرش‌ها را در خصوص پرداختن به ابعاد محیطی قابلیت زندگی نشان می‌دهد. از این بررسی تطبیقی می‌توان نتیجه گرفت که هرچند مقیاس پرداختن به این برنامه‌ها (مقیاس محلی، منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای) بر ارائه تعاریف عملیاتی و اجزاء آن مؤثر بوده و هر یک از بسترها بر یکی از مقیاس‌ها تأکید بیشتری دارد، اما در نهایت تشابه رؤس مطالب مورد تأکید خیلی بیشتر از وجوه افتراق آن‌ها است.

واژه‌های کلیدی: قابلیت زندگی، ابعاد محیطی، امریکا، انگلستان، استرالیا.

مقدمه

همگام با مفهوم "پایداری"^۲، "قابلیت‌زندگی"^۳ به عنوان یکی از ایده‌های مطرح و تأثیرگذار طراحی محیط شهری شناخته شده است (Godschalk, 2004). هرچند این ایده، پیشتر با واژگان دیگری چون کیفیت زندگی (Myers, 1987; NRC, 2002)، کیفیت مکان (Carmona and de Magalhães, 2009) و سرمایه‌ی کالبدی (MORI, 2005) نیز مطرح می‌شده، اما امروزه، خود به عنوان یک مفهوم مجزا در حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری درآمده و بسترهای جغرافیایی متفاوت را به ارائه تعاریف عملیاتی آن هدایت کرده است.

این واژه، برگرفته از فعل آلمانی *Leben* به معنای زندگی کردن و زیستن^۴، زندگی داشتن^۵ و یا ایجاد زندگی برای کسی و یا زندگی کردن در یک مکان قطعی است^۶ (Oxford English Dictionary 2ed Ed, 1989). وجود واژه‌ی *Live* یا زندگی در ساخت این واژه سبب شده که این واژه، پیش از هر مفهوم دیگری، مفهومی بیولوژیکی به خود بگیرد، به معنای ارگانیسمی که احتمال دارد زنده بماند و یا زنده است. در حوزه مطالعات شهری، کوآن (Cowan, 2005) در فرهنگ لغات شهرسازی قابلیت‌زندگی را مناسب برای زندگی و فراهم آوردن کیفیت مطلوب زندگی و مکان مناسبی برای زندگی^۷ تعریف می‌نماید. جان روس^۸، رئیس کمیسیون معماری و محیط مصنوع انگلستان^۹ کاربرد این واژه را برای بیان کیفیت‌ها، نامناسب دانسته و بیان می‌نماید که برای ارجاع به قابلیت‌زندگی باید از واژه‌ی کیفیت‌زندگی استفاده کرد. روس قابلیت‌زندگی را چنین تعریف می‌نماید: "کیفیت زندگی آن گونه که مردم در

فضای بیرون ادراک و تجربه می‌کنند"^{۱۰} (همان). از این تعریف می‌توان سه مفهوم را برداشت نمود: "کیفیت زندگی"، "عرصه عمومی" و "تجربه و ادراک افراد". بنابراین، سنجش قابلیت‌زندگی عمدتاً به دنبال پاسخ‌دهی به این پرسش است که یک مکان خاص (محله، شهر، منطقه‌ی شهری و...) تا چه میزان از قابلیت‌های لازم برای زندگی افراد برخوردار بوده و از فرایند زیست استفاده‌کنندگان آن حمایت می‌کند. همان‌گونه که از ساختار پرسش برمی‌آید واژه تا اندازه زیادی وابسته بوده و نمی‌تواند بصورت عام، بدون ارتباط با "مکان" و "استفاده‌کنندگان" آن مورد مطالعه قرار گیرد. به‌دیگر عبارت، قابلیت‌زندگی، یک مفهوم وابسته است که معنای خاصی در مکان‌های متفاوت پیدا کرده و ایده‌ای است مکان-محور^{۱۱}. همین تعریف، مطالعه تطبیقی میان بسترهای جغرافیایی را در ارائه تعاریف عملیاتی برای این مفهوم توجیه می‌نماید.

بسترهای جغرافیایی و تعاریف عملیاتی قابلیت‌زندگی

بالا بردن قابلیت‌زندگی مکان، امروزه جنبه‌ای بسیار مهم از مداخلات مقیاس محله‌ای، شهری و منطقه‌ای شده و طراحان و برنامه‌ریزان را برآن داشته تا به دنبال ایجاد کیفیت‌هایی در محیط باشند، که هرچه بیشتر از فرایند زندگی شهروندان حمایت کرده و فرصت‌های زندگی بهتری را در اختیارشان قرار دهد. هرچند در تعریف این کیفیت‌ها هنوز اتفاق نظری وجود ندارد، اما بررسی تعاریف نهادها، سازمان‌ها و برنامه‌های مختلف می‌تواند در دستیابی به نقاط مشترک و معرفی ابعاد محیطی این مفهوم تا حد زیادی راه‌گشا

باشد. در این راستا برنامه‌های تدوین شده در سه بستر جغرافیایی امریکا، انگلستان و استرالیا مورد مقایسه تطبیقی قرار گرفته است.

حوزه جغرافیایی امریکا- بستر ظهور ایده قابلیت زندگی

بستر حضور و گسترش ایده قابلیت زندگی را می‌توان امریکا دانست (Larice, 2005). آنچه که بیش از همه در این بستر جغرافیایی واجد توجه است، درهم تنیدگی سیاست‌گذاری‌های مقیاس کلان با این مفهوم طراحی محیطی است. واژه شهرهای قابل زندگی، برای اولین بار در سال ۱۹۷۰، توسط اداره موقوفه ملی هنرها^{۱۲} (NEA) به منظور دستیابی به برنامه‌های طراحی شهری مدنظر آن نهاد به کار گرفته شد. به دنبال آن سایر مراکز و سازمان‌های تحقیقاتی نظیر آژانس اداره حفاظت محیطی^{۱۳} که مطالعات گسترده در خصوص انتخاب قابل زندگی‌ترین شهرهای امریکا را بنیان‌گذاری کرده بود، این واژه را بکار گرفتند. اما، نفوذ این واژه در ادبیات مرتبط با این حوزه را می‌توان در نوشته‌های ویلیام مارلین در ۱۹۷۵، در خصوص مکان‌های قابل زندگی در مجلات Saturday Review و Christian Science Monitor دانست که سبب شد تا چندی بعد شهردار آتلانتا "شهرهای قابل زندگی" را سنگ‌بنای اولین سیاست‌های شهری ملی دوران کارتر معرفی نموده و به این ترتیب واژه را به نظام سیاسی و تصمیم‌گیری وارد نماید. برنامه شهرهای قابل سکونت، بعدها تحت دستورالعملی واحد، زیر نظر NEA قرار گرفت. NEA، براساس این برنامه که رویکردی کاملاً کیفی داشت، "قابلیت زندگی در شهرها را موجودیتی

ذهنی^{۱۴} دانست که از رابطه درونی میان افراد و محیط‌شان حاصل می‌شود" و متعاقب این تعریف، از هر جامعه‌ای خواسته شد تا تعریفی مبتنی بر محل و در جهت رفع نیازهای جامعه‌ی محلی تهیه و ارائه نماید. هرچند این برنامه توسط دولت کارتر به عنوان جزئی از برنامه‌های دپارتمان مسکن و شهرسازی و به صورت یک برنامه ملی دیده شده بود، اما نهایتاً کنگره سرمایه‌گذاری بر آن را نپذیرفت. به دنبال این شکست در ورود این مفهوم به سیاست‌های ملی، شرکاء جوامع قابل زندگی^{۱۵} (PLC) به صورت اتحادیه‌هایی محلی و غیرانتفاعی در جهت بسط ایده قابلیت زندگی توسعه یافت که نهایتاً به جهت پیچیدگی و گستردگی امر، آن را تنها فرایندی در جهت تغییر و بهبود وضعیت جوامع منسجم محلی^{۱۶}، حاصل از تلاش‌های جامعه و نوعی راهبری و هدایت کیفیت‌ها معرفی نمود (PLC, 1999; McNulty, 200-1998). همراه با این یافته، گروه PLC پرداختن به قابلیت زندگی را در سی شهر پایلوت در دستور کار قرارداد که نتایج حاصل از آن بر ضرورت وجود سه امر حیاتی در دستیابی به قابلیت زندگی تأکید داشت: رهبران مدنی، سازمان‌های حمایت‌کننده و شرکاء تجاری (PLC, 1986). بدین ترتیب ساخت قابلیت زندگی از رویکردی کیفی به کمی- اقتصادی و سیاسی تغییر جهت داد. در اوایل ۱۹۸۰ علاقه به بحث‌های اقتصادی مکان با انتشار راهنماهای امتیازدهی و رتبه‌بندی به اوج خود رسید که شناخته‌شده‌ترین آن‌ها سال‌نمای امتیازدهی مکان^{۱۷} کار بویر و ساویژ (Boyer & Savageau, 1981) بود و مجموعه‌ای از شاخص‌های ثابت و شیوه‌های وزن‌دهی به آن‌ها را برای تهیه صورتی از بهترین

مکان‌های قابل زندگی (در ۹ گروه اصلی، محیط فرهنگی - اجتماعی، مسکن، فرصت‌های شغلی، جرم و بزه، حمل و نقل، آموزش، مراقبت‌های پزشکی و سلامت، تفریح و آب و هوا، با تعدادی زیرشاخص) مورد استفاده قرار داد.

از اواخر همان دهه، اعضای PLC، خود شروع به نقد رویکرد ابژکتیو آن و توجه بیش از حد بر آمار و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مطرح در این نگرش نموده و لذا در بیانیه‌ای کلی پیشنهاد کردند که قابلیت زندگی نمی‌تواند به‌عنوان یک شاخص اندازه‌گیری شده و پایش شود (PLC, 2000)؛ به دیگر عبارت قابلیت زندگی در آن واحد هم به "مکان-ابژه" و هم به "فرد-سوژه‌هایی" که در آن زندگی می‌کند، وابسته است و پدیده‌ای است هم‌زمان ابژکتیو و سوژکتیو. مطالعات مایرز در آستین (Myers, 1987)، نیز گواهی بر تناقض صریح میان دو رویکرد ابژکتیو و سوژکتیو، در سنجش قابلیت زندگی است^{۱۸}. با این تفسیر، PLC پس از چند دهه تلاش، به نگرش آغازین خود در NEA بازگشت و تأکید دوباره بر برنامه‌ریزی‌های مکان-محور را از سر گرفت. این مفهوم در ۱۹۹۸ و در زمان دولت کلینتون^{۱۹} با ارائه "برنامه‌ی جامع قابلیت زندگی: ساخت جوامع قابل زندگی برای قرن بیست و یکم"^{۲۰}، یک بار دیگر به بالاترین درجه‌ی اهمیت خود در دولت فدرال امریکا رسید و تأثیر به‌سزایی در قابل زندگی نمودن شهرها و مناطق شهری گذاشت (Clinton-Gore, 2000). هرچند این مفهوم، پس از انتخاب جرج بوش و سیاست‌های ضدتروریسم او و آغاز جنگ‌های عراق و افغانستان در سطح دولت فدرال مسکوت گردید، اما فعالیت

در راستای دست‌یابی به آن، به سطحی دیگر منتقل و از طریق گروه ضربت در کنگره امریکا شروع به توسعه کرد. با این انتقال، از دولت فدرال به سوی بسترهای محلی و کوچک‌سازی حمایت‌های دولت از برنامه‌های قابلیت زندگی، این بار ایالت‌ها و شهرداری‌های محلی رهبری گفتمان جدید قابلیت زندگی را به‌عهده گرفتند (Mc. Nulty, 1998-2002). مروری بر اجزای برنامه‌ها و اسناد تهیه شده در این حوزه، بخشی از ابعاد این مفهوم را نمایان می‌سازد.

برنامه قابلیت زندگی کلینتون - گور

با توجه به تاریخچه ذکر شده، اولین و تنها سند مدون قابلیت زندگی در امریکا، برنامه قابلیت زندگی کلینتون-گور، اقتصاد محور بوده و افزایش قابلیت زندگی مکان را با محوریت ابعاد اقتصادی دنبال می‌نماید؛ مطابق این تعریف، جامعه قابل زیست، یک جامعه قدرتمند به لحاظ اقتصادی است که تلاش می‌نماید تا در کنار "رشد اقتصادی"^{۲۱} پایدار، کیفیت بالایی از زندگی را برای ساکنانش تأمین نماید. اهداف اصلی این سند عبارتند از: حفاظت از فضاهای سبز^{۲۲}، کاهش ازدحام حاصل از ترافیک^{۲۳}، بازتولید حس تعلق به جامعه منسجم محلی^{۲۴}، حمایت از تشریک مساعی^{۲۵} و افزایش رقابت اقتصادی^{۲۶}. این سند هرچند توأمان دربرگیرنده ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی بوده اما محوریت با مباحث اقتصادی است. "جامعه‌ی قابل زندگی در قرن بیستم، جامعه‌ای است که به لحاظ اقتصادی قدرتمند است" (Clinton-Gore, 2000).

پس از انتشار برنامه‌ی قابلیت‌زندگی، ایالات و مناطق شهری موظف به ارائه‌ی اسناد هدایت قابلیت‌زندگی در مقیاس‌های محلی و ایالتی شدند. شکل ۱، مجموعه‌ای از ویژگی‌های مرتبط با قابلیت‌زندگی، ارائه شده توسط تعدادی از اسناد، نهادها و سازمان‌ها در امریکا را در مقیاس‌های مختلف، نمایش داده است. همان‌طور که شکل نیز نشان می‌دهد، بعد اقتصادی جزء بنیادین این مفهوم بوده و توان‌مندسازی جوامع به لحاظ اقتصادی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری جوامع قابل‌زندگی در این حوزه جغرافیایی است. نیز عمده‌ی تمرکز بر مقیاس شهری و فراشهری است و مقیاس محله‌ای کمتر مورد توجه و تأکید است. ابعاد زیست‌محیطی این برنامه به دنبال نگرش فرا محله‌ای (شهری و فراشهری) بر مباحثی چون محیط‌های حفاظت شده طبیعی، کیفیت آب و هوا، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و منابع متمرکز است و مباحث مرتبط با مقیاس خرد چون پاکیزگی محیط محلی، سبزبودن و... از اهمیت کمتری برخوردارند.

حوزه جغرافیایی انگلستان

هرچند تاریخچه استفاده از این واژه (Liveability) در نگارش انگلیسی به جای نسخه امریکایی (Livability) در سیاست‌های انگلستان به دولت بلر به سال ۲۰۰۱ بازمی‌گردد (MORI, 2005) اما ریشه تمامی اسنادی که در حوزه انگلستان بررسی خواهد شد را می‌توان سند به‌سوی نوزایی شهری^{۳۰} کار گروه ضربت شهری^{۳۱} دانست که در سال ۱۹۹۹ برای مواجهه با مشکلات شهرهای انگلستان، تدوین گردید. مطابق ادعای این سند، مواجهه با مشکلات

فراروی شهرهای انگلستان و دستیابی به نوزایی شهری، تنها از طریق خلق کیفیت‌زندگی و سرزندگی^{۳۲} صورت می‌پذیرد، یعنی همان چیزی که زندگی شهری را مطلوب می‌سازد (UTF, 1999). این امر در قالب بالابردن پایداری شهری و با استفاده از توسعه‌های متراکم و هم‌پیوند با شبکه حمل و نقل، حداکثر بهره‌برداری از دارایی‌ها و منابع شهری و تداوم نوزایی شهری با تأکید بر امر طراحی^{۳۳} تحقق می‌یابد (ibid). به دنبال تهیه این سند، اسناد دیگری نیز با هدف ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان در انگلستان تهیه گردید:

گزارش مکان‌های سرزنده: پاکیزه‌تو، امن‌تو، سبز تو^{۳۴}
براساس این گزارش (ODPM, 2002)، که توسط نهاد معاونت نخست وزیری^{۳۵} تهیه گردید، قابلیت‌زندگی محلات با تأکید بر سه اصل کلی پاکیزگی، امنیت و سبز بودن و در مقیاس محلی دنبال می‌گردد: "توجه به کیفیت محله‌ها و قابلیت‌زندگی آن‌ها تا هیچ‌زمان به اندازه امروز مورد توجه نبوده است. این که خیابان‌ها و فضاهای عمومی می‌بایست، پاکیزه، امن و سبز باشند، موضوعی حیاتی در برنامه سیاست‌های دولت است. این برنامه نشان می‌دهد که این مباحث سه گانه، جزء اولویت‌های اول بالابردن کیفیت‌های جوامع محلی است." (DEFRA, 2004) "پاکیزگی محیط" از طریق حفظ و مراقبت حوزه‌های محلی از آلاینده‌های محیطی و مدیریت خدمات مرتبط با نگهداری از محیط، "امنیت" از طریق حذف عوامل مخل امنیت شهری و "سبز بودن" محیط از طریق بالابردن سرانه‌ی فضاهای سبز و پارک‌ها تأمین

شکل ۱- مهم ترین ویژگی های مشترک قابلیت زندگی اشاره شده در تعاریف اسناد، سازمانها و نهادها- امریکا (مقیاس شهری و فراشهری)

| سازمانها و نهادها | | | مقیاس شهری | | | | مقیاس منطقه ای و ناحیه ای | | | | مقیاس ایالتی | | | | استناد، سازمانها و نهادها | | |
|------------------------|--------------------|-------------------|--|--|---------------------------------|-------------------------------------|--|---|--|--|---|--------------------------------------|-----------------------|------------------------------|---------------------------|--|---|
| LEED- ND ²⁹ | IMCL ²⁸ | AIA ²⁷ | Portland, OR, Coalition for a Livable Future | San Francisco Better Neighborhoods program | San Diego Livable Neighborhoods | Santa Rosa, CA, Livability Elements | Battle Ground, WA, Livability Elements | Metro Portland – Livable Communities Workbook | Southern California – Livable Places Initiatives | South Bay Cities- Livable Communities Handbook | Florida DOT- Livable Communities Initiative | CA DOT- Livable Community Strategies | OR Livability Natives | WA, DOT- Livable Communities | خصایص و ویژگی ها | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | کاربری زمین |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | کاربری مختلط با فواصل دسترسی مناسب |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | مراکز شهری کارآ |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | خدمات عمومی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | قدرت انتخاب خدمات و فعالیت ها |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | فرصت انتخاب مسکن |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | پیاده‌مداری و پیاده محوری |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | تعادل میان گونه‌های متنوع حمل و نقل |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | شبکه‌ی عبوری سهل الوصول و متصل |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | کاهش آلودگی، ترافیک و زمان رفت و آمد |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | قابلیت دسترسی برای همگان |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | کاهش اثرات پارکینگ بر محیط |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | کاهش سرعت سواره |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | توسعه‌های مبتنی بر حمل و نقل عمومی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | هویت کالبدی/ حس تعلق به مکان |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | فرم شهری متراکم |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | زیبایی و جذابیت محیط |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | فرم‌های شهری با مقیاس انسانی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | امنیت همگانی و فردی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | تنوع اجتماعی و همه شمول بودن فضاها |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | مشارکت مردمی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | اختلاط اجتماعی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | حس تعلق به جمع |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | وجود فضاهای باز و فراغتی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | عرصه عمومی فعال و منعطف |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | قدرت انتخاب فعالیت‌ها و فضاهای وابسته به آنها |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | فستیوال‌ها و برنامه‌های خاص |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | مسکن ارزان قیمت و درحد استطاعت خانوار |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | فرصت‌های اشتغال |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | فرصت‌های ایجاد خدمات تجاری محلی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | سلامت و شکوفایی اقتصادی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | محیط‌های حفاظت شده طبیعی |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | ایجاد محیط و فضای سبز |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | کیفیت هوا |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | کیفیت آب |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | صرفه‌جویی در مصرف انرژی و منابع |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | محیط‌های سلامت |

می‌گردد (ODPM, 2002). همان‌طور که از سه بعد مورد تأکید این گزارش بر می‌آید، عمده توجه این گزارش بر ابعاد زیست‌محیطی بوده که نیم‌نگاهی هم به مسائل اجتماعی دارد و همین رویکرد تقلیل‌گرایانه‌ی آن زمینه‌های نقد بر آن را فراهم آورده و متعاقباً اسناد جدیدی را برای ارزیابی کیفیت محیط محلی مطالبه می‌نماید.

دیوارنوشته‌ها و نیز کاهش آلودگی هوا، ازدحام و شلوغی^{۴۲} (منتج از گزارش پیمایش خانه‌سازی‌های انگلستان (CABE, 2004)) و کیفیت ساخت‌وساز^{۴۳} که دربرگیرنده امکانات داخل واحدها و نیز کارایی محیطی آن‌ها به‌لحاظ زیبایی‌شناسی، هارمونی، تناسبات و .. در محیط پیرامون می‌باشد.

شکل ۳- مؤلفه‌های اصلی قابلیت‌زندگی مطابق گزارش نهاد معاونت نخست وزیری انگلستان (9, 2006a, ODPM)

| مؤلفه‌ها | اجزاء |
|----------------------|---|
| کیفیت محیطی | - آلودگی‌های صوتی - پاکیزگی محیط و آلودگی هوا - ازدحام و شلوغی - کیفیت ساخت‌وساز |
| کیفیت (کالبدی) مکان | - کیفیت محیط مصنوع - سطح زمین‌های بلااستفاده، فاقد کاربری و متروکه - کیفیت فضاهای سبز و باز - کیفیت فضای عمومی |
| کیفیت (عملکردی) مکان | - سفرهای پیاده - کیفیت حمل‌ونقل عمومی - بازدهی و کارایی خدمات |
| مکان‌های امن‌تر | - سطح جرم و بزه - رفتارهای ضد اجتماعی |

وضعیت شهرهای انگلستان - قابلیت‌زندگی در شهرهای انگلستان^{۴۴}

به‌دنبال گزارش مکان‌های سرزنده، در گزارشی دیگر از سوی نهاد معاونت نخست وزیری، چهارچوب چهار موضوعی قابلیت‌زندگی با هدف سنجش وضعیت شهرهای انگلستان در رسیدن به این کیفیت فضایی، تدوین گردید (ODPM, 2006a). بر اساس این گزارش، قابلیت‌زندگی دربرگیرنده چهار موضوع اصلی - کیفیت محیطی، کیفیت (کالبدی) مکان، کیفیت (عملکردی) مکان و مکان‌های امن‌تر - و سیزده عنوان فرعی تعریف گردید (شکل ۳) که در ارزیابی میزان تحقق‌پذیری قابلیت‌زندگی در دو شهر انگلستان - لستر و منچستر^{۴۵} - به عنوان نمونه بکار گرفته شد.

کیفیت کالبدی مکان^{۴۴}

برخی از تعاریف قابلیت‌زندگی خصوصاً تعاریفی که در سیاست‌های دولت مرکزی انگلستان به کار گرفته می‌شوند بر اهمیت طراحی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر کیفیت مکان تأکید می‌کنند^{۴۵} (UTF, 1999) (DET& CABE, 2000) این دسته عوامل مشتمل است بر: کیفیت محیط مصنوع^{۴۶} که فراتر از کیفیت ساختمان‌ها که پیشتر به آن اشاره شده بود، کل محیط مصنوع را به لحاظ خلق مکان‌های همه‌شمول،

کیفیت‌های محیطی

چهار شاخص سنجش در این حوزه عبارتند از: آلودگی‌های صوتی^{۴۸} (منتج از گزارش‌های محیط شهری انگلستان^{۴۹} (Environment Agency, 2002)) و نیز پیمایش خانه‌سازی‌های انگلستان^{۴۰} (CABE, 2004)، پاکیزگی محیطی^{۴۱} مشتمل بر پاکیزه ساختن محیط کالبدی از تخریب‌گرایی‌ها و

وجود خدمات و امکانات رفاهی، قابلیت ارتقاء امنیت محیطی و .. دربرمی‌گیرد؛ سطح زمین‌های متروکه که سبب از هم گسیختگی دانه‌بندی شهری شده و علاوه بر آن که بر کیفیت محیط محلی تأثیر گذاشته، فرصت‌های بروز رفتارهای ضد اجتماعی^{۴۷} را فراهم می‌آورد؛ کیفیت پارک‌ها و فضاهای سبز که با برآورده ساختن نیازهای فیزیولوژیک افراد و افزایش احساس رضایت از مکان، بر قابلیت‌زندگی مکان تأثیر می‌گذارد (Environment Agency, 2002) و در نهایت کیفیت فضاهای عمومی که براساس مطالعات محققان استفاده فعالانه از فضا را افزایش داده (CABE, 2002) و در کاهش تخریب‌گرایی و بالابردن امنیت محیطی مؤثر است (Wilson & Kelling, 1982).

کیفیت‌های عملکردی مکان^{۴۸}

کیفیت‌های عملکردی نیز بعد دیگری از مؤلفه‌های مؤثر بر قابلیت‌زندگی را تشکیل می‌دهند. این کیفیت‌ها عمدتاً بر میزان کارایی و عملکرد مراکز خدماتی و سهولت دسترسی به این فضاها متمرکز بوده و مشتمل است بر: سهولت سفر پیاده^{۴۹} یا پیاده‌رواری^{۵۰} و کیفیت حمل و نقل عمومی که هر دو ناظر بر الزامات توسعه پایدار و نیز برقراری عدالت در دسترسی به خدمات و کالاهاست و رونق و کارایی خدمات^{۵۱} که ناظر بر موفقیت مراکز خدماتی در جذب استفاده‌کنندگان و بازدهی این مراکز در بازگشت سرمایه و سودآوری اقتصادی است.

فضاهای امن‌تر

ایجاد امنیت فضایی در این سند، از دو روش کاهش

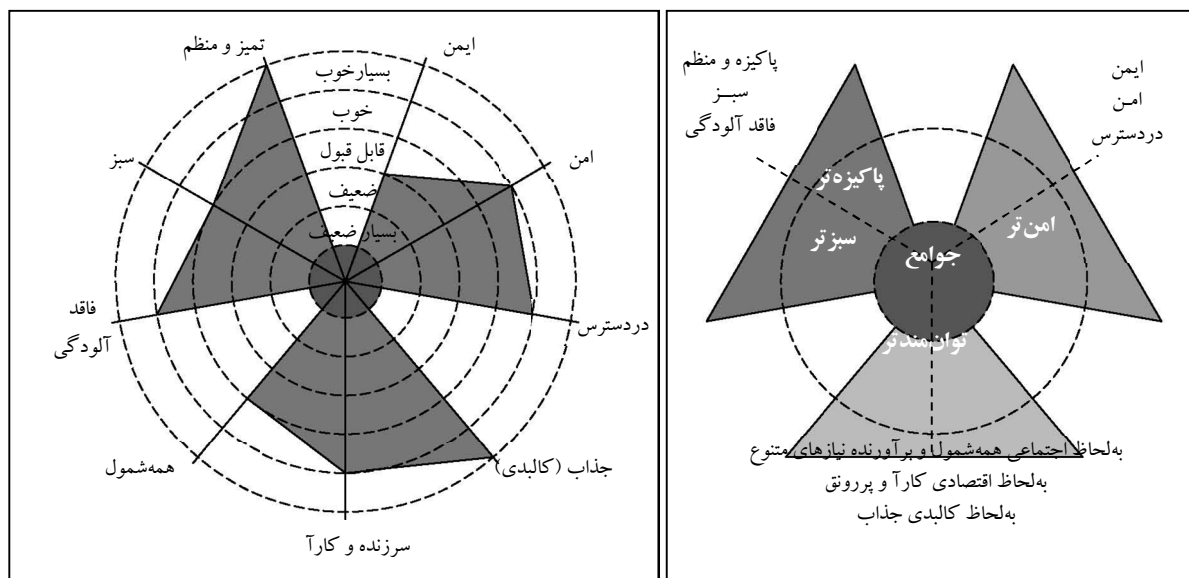
نرخ جرم و بزه با تأکید بر چگونگی طراحی مکان‌های امن بدون جداسازی و تفکیک آن‌ها از بقیه مناطق شهری و ایجاد جوامع بسته^۵ و مقابله با رفتارهای ضد اجتماعی که استفاده از فضا و حضور افراد در آن را محدود می‌نماید، پیگیری می‌گردد.

همان‌طور که از مقایسه تطبیقی این دو گزارش برمی‌آید، در سیر تکاملی تدوین ابعاد قابلیت‌زندگی محیط، ابعاد، بسط و گسترش بیشتری پیدا کرده، اما هنوز ابعاد زیست‌محیطی و کالبدی جزء بنیادین قابلیت‌زندگی را تشکیل داده و به لحاظ ماهوی، تفاوت شاخصی با برنامه‌های حوزه جغرافیایی امریکا دارد که حیات اقتصادی را در رأس مفهوم قابلیت‌زندگی مکان معرفی می‌نماید. با در نظر گرفتن همین کمبودها در نهایت، نهاد معاونت نخست وزیری در گزارشی دیگر بیان می‌دارد که قابلیت‌زندگی مفهوم جدیدی است که طیف شاخص‌های سنجش آن هنوز بطور کامل وجود ندارد، مفهومی است محلی که بسیاری از اجزاء آن مبتنی بر مکان بوده و تا زمانی که سنجش آن مبتنی بر ادراک بهره‌برداران از مکان نباشد، اطلاعات قابل استنادی ارائه نخواهد داد (ODPM, 2006b). نیز بیان می‌دارد: "واضح است که با وجود این برنامه، پرداختن به قابلیت‌زندگی و کیفیت محیطی محلات از قبل بیشتر شده است، اما این برنامه با افزودن تعدادی شاخص جدید و بسط آن موفق‌تر خواهد شد" (ODPM, 2006b, 144). برخی از این شاخص‌ها براساس همین نتیجه‌گیری عبارتند از: قابلیت دسترسی به خدمات، سرزندگی و رونق اقتصادی^{۵۳} و پایداری اجتماعی^{۵۴} (ibid, 145) که در این سند کمتر به آن توجه شده است.

کیفیت محیطی محلی^{۵۴}

این تحقیق که به سرپرستی متیو کرمونا^{۵۵} از سال ۲۰۰۶ و با طرح انتقادات بر برنامه قابلیت‌زندگی آغاز شد و تا ۲۰۰۷ به طول انجامید، به دنبال رفع نواقص موجود در برنامه پیشین و معرفی ابعاد کامل‌تری برای سنجش قابلیت‌زندگی بود. روش‌شناسی این تحقیق مشتمل بر سه گام اصلی و عبارت بود از: مطالعات اسنادی^{۵۶} اعم از مروری بر استانداردهای موجود در خصوص کیفیت‌های محلی، پیمایش کیفی نگرش‌ها و آمال و آرزوهای ساکنان با استفاده از تشکیل گروه‌های کانونی^{۵۷} و مصاحبه‌های عمیق با ساکنان و در نهایت برگزاری کارگروه‌هایی با حضور حرفه‌مندان و ذی‌نفوذان سیاسی با هدف به‌بحث گذاشتن نتایج حاصل از پیمایش‌های کیفی و تدوین نهایی ابعاد تأثیرگذار بر کیفیت‌های محلی. حاصل این تحقیق، بسط برنامه پیشین و افزودن ابعاد جدیدی به آن بود که در گزارشی با عنوان کیفیت محیطی محلی (Carmona, 2007) ارائه گردید. این گزارش

در برگیرنده سه بعد اصلی زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی است که براساس اعمال تغییراتی بر گزارش ابتدایی (مکان‌های سرزنده: پاکیزه‌تر، ایمن‌تر، سبزتر) با ادغام دو حوزه پاکیزه‌تر و سبزتر، بعد توان‌مندتر^{۵۸} را نیز به ابعاد سازنده کیفیت‌های محیطی افزود (مجموعه شکل ۴). این بعد به‌دنبال تشخیص ناکارآمدی سه بعد محیطی پیشین (پاکیزه‌تر، ایمن‌تر، سبزتر) در ایجاد قابلیت‌زندگی مکان پیشنهاد شده و سبب‌گردید بعد اقتصادی که از ابتدا نقشی در قابلیت‌زندگی محلات در بستر انگلستان نداشت، با چیزی قریب به یک دهه تأخیر در مفهوم قابلیت‌زندگی در این بستر جغرافیایی وارد می‌گردد (شکل ۵). مطالعه اسناد مرتبط با قابلیت‌زندگی در انگلستان و امریکا همچنین نشان می‌دهد که مفهوم قابلیت‌زندگی در این حوزه جغرافیایی، برخلاف حوزه جغرافیایی پیشین محلی بوده و بر مقیاس‌های منطقه‌ای توجهی ندارد (MORI, 2005; Massey, 2005).



مجموعه شکل ۴- چهارچوب پیشنهادی برای سنجش کیفیت در جامعه محلی (ODPM, 2007, 56)

شکل ۵- مؤلفه‌های اصلی سنجش قابلیت‌زندگی مطابق گزارش کیفیت محیطی محلی (Carmona, 2009)

| اجزاء | توضیحات | کیفیت‌ها | |
|----------|---|-------------------------------|--|
| پکیژ-سبز | فضولات حیوانی، دیوارنوشته‌ها، زباله، نخاله‌های ساختمانی، ماشین‌های متروکه، نگهداری معمول از مکان‌ها و فضاهای شهری | نگهداری صحیح و رسیدگی به موقع | پاکیزه و منظم |
| | درختان، پوشش گیاهی، گل کاری، تنوع زیست محیطی، مصالح پایدار | سبز و طبیعی | سبز |
| | سلامتی و راحتی | سلامت و راحت | بدون آلودگی |
| امن | ترس از جرم، رفتارهای ضد اجتماعی، نزاع‌ها و جرم‌های خیابانی، نظارت اجتماعی | عاری از جرم و ترس | امن |
| | کاهش سرعت سواره، نورپردازی خیابان، پارکینگ‌ها، ایمنی پیاده و کودکان، موانع | محیط‌های غیرمنفعل | ایمن |
| | پیاده‌مداری، علائم و نشانه‌ها، پارک ماشین، خدمات، حمل و نقل عمومی، کف‌سازی‌های بدون مانع، آلودگی‌های ناشی از ترافیک، تسهیلات استفاده از دوچرخه | سهل الوصول بودن | دردسترس |
| فرماندگی | قابل استفاده برای معلولان، تسهیلات مرتبط با گروه‌های سنی: بازی کودکان و نوجوانان، سرویس‌های بهداشتی همگانی، نیمکت‌ها و سایه‌بان‌ها، اختلاط کاربری‌ها، حس تعلق به جمع، تعاملات اجتماعی استفاده‌کنندگان | دلپذیر و مطبوع | همه‌شمول و برآورنده نیازهای گروه‌های اجتماعی |
| | تنوع کاربری‌ها، تنوع خرده‌فروشی‌ها، وجود خدمات، زمین‌های فاقد کاربری، فعالیت‌ها و رخدادها | رونق اقتصادی | کارآ و پررونق به لحاظ اقتصادی |
| | کیفیت معماری و ساخت‌وساز، میراث، نگهداری از ابنیه، هنرهای همگانی، علائم و نشانه‌ها و مبلمان شهری، نورپردازی‌ها، کف‌سازی‌ها، استفاده از آب و عناصر طبیعی | جذابیت بصری | جاذب به لحاظ کالبدی |

نتایج و بحث

شکل ۷، مقایسه تطبیقی میان سه بستر و سیر تحول آن را در تدوین برنامه قابلیت‌زندگی محیط نشان می‌دهد. از مطالعه این برنامه در بسترهای متفاوت - امریکا، انگلستان و استرالیا - می‌توان نظامات هشت‌گانه، کاربری زمین، حرکت و دسترسی، فرم کالبدی و بصری، فضاهای همگانی، نظام اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را بازشناسی نمود. با توجه به نگرش فراشهری و منطقه‌ای در تدوین برنامه قابلیت‌زندگی محیط در امریکا، نظامات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مورد تأکید بوده و به مباحث خردتری چون کاربری زمین، حرکت و دسترسی، فرم کالبدی و بصری و فضاهای همگانی

استرالیا

از کدهای طراحی مسکونی تا محلات قابل‌زندگی در استرالیا نیز سابقه مطالعه بر روی اصول کلی محله‌های قابل‌زندگی، به تهیه کدهای طراحی برای توسعه‌های مسکونی^{۵۹} (AMCORD, 1995) بازمی‌گردد که در نسخه‌های بعدی با عنوان "محلات قابل‌زندگی"^{۶۰} به ارائه‌ی کدهای طراحی با هدف دستیابی به جامعه‌ی منسجم محلی^{۶۱} می‌پردازد. این سند در ۱۹۹۷، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹ تهیه شده است که مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اصلی طراحی محلات قابل‌زندگی را به شرح مندرج در شکل ۶ بیان می‌نماید (State of Western Australia, 2009).

شکل ۶- مؤلفه‌های اصلی قابلیت‌زندگی مطابق گزارش محله‌های قابل‌زندگی
(State of Western Australia, 2009, 13- 14)

| مؤلفه‌ها | اجزا |
|--------------------------|--|
| طراحی جامعه‌ی منسجم محلی | ایجاد حس تعلق به مکان پاسخ‌گویی طراحانه به سایت و زمینه توزیع مناسب کاربری‌ها موضوعات طراحی تراکم |
| شبکه‌ی حمل‌ونقل | حجم ترافیک و سلسله مراتب شبکه دسترسی قابلیت اتصال شبکه‌ی دسترسی اتصال نظام حرکت و دسترسی پیشنهادی با کانون‌های فعالیت مقطع عرضی خیابان‌ها مدیریت ترافیک شبکه منظم مبتنی بر عملکرد، حجم ترافیک، سرعت تردد و ایمنی و تسهیلات همگانی حمل‌ونقل عمومی دسترسی سواره، دوچرخه و پیاده‌ایمن و راحت دسترسی به فضاهای باز همگانی، مغازه‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، مدارس ابتدایی ایستگاه‌های حمل و نقل همگانی |
| مراکز فعالیتی و اشتغال | نوع مراکز فعالیتی تعیین نرخ استخدام و اشتغال تعیین نحوه‌ی توزیع کاربری‌های مختلف |
| طرح قطعه‌بندی | اندازه قطعات نحوه‌ی توزیع کاربری‌ها طراحی پاسخ‌گو به مباحث زیست‌محیطی تراکم |
| فضاهای باز و سبز عمومی | اندازه و نحوه‌ی توزیع فضاهای باز همگانی نگهداری فضای سبز موجود کاهش اثرات نامطلوب فضاهای همگانی بر مطبوعیت حوزه‌های مجاور سهولت تقرب به سایت‌های آموزشی (مدارس) در محله طراحی پاسخ‌گو به مسائل زیست‌محیطی مدیریت مداوم فضاها |
| مدارس | نیازهای حوزه‌ی خدماتی اندازه و نحوه‌ی توزیع مدارس طراحی و تحلیل سایت طراحی محوطه‌ی مدرسه |
| مدیریت آب‌های شهری | راهبرد مدیریت آب‌های سطحی تعریف برنامه‌ریزی مدیریت مداوم |
| خدمات | رفع نیازهای گزارش شده تأمین زیرساخت‌های ارتباط از راه دور (تلفن، اینترنت و ...) تأمین فضای حدواسط کاربری‌های مزاحم |

کمتوجه شده است. در حوزه جغرافیایی انگلستان، از آنجا که برنامه قابلیت‌زندگی اساساً در مقیاس محله طرح شده است، موضوعات مورد بحث، اجزاء فرم شهری از قبیل کاربری زمین، حرکت و دسترسی، فضاهای همگانی، فرم کالبدی و بصری را مورد تأکید قرار داده و موضوعات زیست محیطی و اجتماعی نیز به مباحث خرد و مرتبط با مقیاس محله می‌پردازد.

شکل ۷- جمع‌بندی ایده‌های قابلیت‌زندگی براساس بستر تحقیق

| استرالیا (مقیاس محلی) | حوزه جغرافیایی انگلستان (مقیاس محلی) | | | | حوزه جغرافیایی امریکا (مقیاس شهری و فراشهری) | |
|--|--|---|--|--|--|--|
| محله قابل زندگی (State of Western Australia, 1997, 2000, 2004, 2009) | کیفیت محیط محلی (Carmona, 2007; 2009) | وضعیت شهرهای انگلستان: قابلیت‌زندگی در انگلستان (ODPM, 2006) | مکان‌های سرزنده: پاکیزه- تر، امن‌تر، سبزتر (ODPM, 2002) | به‌سوی نوزایی شهری (UTF, 1999) | برنامه قابلیت‌زندگی کلینتون-گور ساخت جوامع پایدار برای قرن ۲۱ | |
| ۱- طراحی جامعه‌ی منسجم محلی ۳- شبکه‌ی حمل- ونقل ۴- قطعه‌بندی و طرح ۵- موقعیت فضاهای باز و سبز ۵- مدیریت آب‌های سطحی ۶- مدارس ۷- مراکز فعالیتی و اشتغال ۸- خدمات | ۱- پاکیزه‌تر- سبزتر ۲- امن‌تر ۳- توان‌مندتر | ۱- کیفیت‌های زیست محیطی ۲- کیفیت‌های کالبدی ۳- کیفیت‌های عملکردی ۴- امنیت محیطی | ۱- پاکیزگی محیط (از آلاینده‌ها) ۲- امنیت ۳- توسعه‌ی فضاهای سبز و بالا بردن سلامت محیط | تجدید حیات مبتنی بر مداخلات طراحانه | ۱- مدیریت رشد شهری و منطقه‌ای ۲- توسعه‌ی اقتصادی ۳- ساخت جوامع ۴- ضمانت کیفیت زندگی | |
| - محله‌هایی با اختلاط کاربری - مدارس محله‌ای - تأمین فضای حد واسط کاربری‌های مزاحم | - خدمات در دسترس | - رونق و بازدهی خدمات | - | - اختلاط کاربری | کاربری زمین - | |
| - خیابان‌های پیاده‌مدار - شبکه‌ی خیابان‌های متصل به هم - حمل و نقل عمومی - قابلیت اتصال شبکه‌ی دسترسی مبتنی بر عملکرد، حجم ترافیک، سرعت تردد و ایمنی و تسهیلات همگانی - مدیریت ترافیک | - ایمنی و نفوذپذیری | - سفر پیاده - کیفیت حمل و نقل عمومی | - برنامه‌ریزی حمل و نقل | - شهر فشرده و متصل به هم | - برنامه‌ریزی حمل و نقل - تقویت شبکه‌ی دسترسی موجود - استفاده از گزینه‌های دیگر به جای الگوهای متعارف (تشویق پیاده‌مداری، دوچرخه‌مداری) | |

ادامه شکل ۷

| استرالیا (مقیاس محلی) | حوزه جغرافیایی انگلستان (مقیاس محلی) | | | حوزه جغرافیایی امریکا (مقیاس شهری و فراشهری) | | موضوعات | |
|---|---|--|--|--|--|------------|-------------------|
| - توسعه‌های متراکم - شبکه‌ی خیابان‌های متصل - اندازه قطعات - مقطع عرضی خیابان‌ها (مقیاس انسانی) | - به لحاظ کالبدی و بصری جذاب | - | - | - بالابردن تراکم و فشرده‌سازی | - | | فرم کالبدی و بصری |
| - دسترسی به فضاهای عمومی و گذارن اوقات فراغت - مدیریت مداوم فضاها | - رخدادهای فعالیت‌ها | - کیفیت عرصه‌های عمومی | - فضاهای عمومی و زندگی روزمره - دستیابی به فضاهای سبز و پارک‌های با کیفیت | - ایجاد شبکه‌ای به هم پیوسته از فضاهای همگانی | - | | فضاهای همگانی |
| - اختلاط طبقات اجتماعی - جوامع منسجم و متنوع - مشارکت و مداخله دادن جامعه‌ی منسجم محلی - رؤیت‌پذیری و طراحی همه شمول ^{۶۲} | - امن - همه شمول (توجه به همه‌ی گروه‌های جمعیتی) | - میزان جرم و رفتارهای ضد اجتماعی | - طراحی مقاوم در مقابل جرم و بزه | - اختلاط اجتماعی - نحوه تصرف املاک | - افزایش روابط در مقیاس‌های مختلف، محله‌ای، شهری، حومه‌های شهری و مناطق روستایی - مواجهه با جرم و بزه اجتماعی | | اجتماعی |
| - | - به لحاظ اقتصادی فعال و پررونق | - | - | - بالابردن کیفیت خانه‌سازی‌های جدید | - بالابردن توان رقابتی اقتصادی از طریق آموزش نیروی کار کارآموده و صنایع میان رشته‌ای | | اقتصادی |
| - نگهداری فضای سبز موجود - طراحی پاسخ‌گو به مباحث زیست‌محیطی | - حذف آلودگی‌های محیطی - سبز - پاکیزه و آراسته | - آلودگی‌های صوتی - پاکیزگی - ازدحام و شلوغی - سطح زمین‌های متروکه | - تأکید بر پاکیزگی محیط از آلاینده‌ها، زباله‌ها، فضولات حیوانی و ... | - ساختمان‌های پایدار و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی | - کاهش آلودگی‌های محیطی - حفاظت از فضاهای سبز، هوا و آب پاکیزه - حفاظت از حیات وحش و گونه‌های زیستی - ایجاد محیط مناسب زندگی انسان به لحاظ زیست‌محیطی | زیست‌محیطی | |

نتیجه گیری

کیفیت رابطه انسان و محیط زندگی او (محلّه، شهر، منطقه و...) که با عنوان قابلیت زندگی شناخته می‌شود، یکی از اساسی‌ترین کیفیت‌های محیط است که در حقیقت بیانگر میزان حمایت‌کنندگی محیط از فرایند زندگی ساکنان آن محیط است. قابلیت زندگی محیط در هر دو بستر جغرافیایی امریکا و انگلستان، در صف مقدم سیاست‌های دولت (فدرال یا مرکزی) قرار داشته اما در نبود تعریفی مورد اجماع، حوزه جغرافیایی امریکا عمدتاً با تمرکز بر مباحث کلان، قابلیت زندگی را در سطوح و مقیاس‌های متفاوت (شهر، ناحیه و منطقه‌ی شهری، ایالت و دولت فدرال) و در مقیاسی فرا محلّه‌ای مورد مطالعه قرار داده است. نیز، در این بستر، قابلیت زندگی، عمدتاً کیفیتی است ابژکتیو که می‌توان آن را براساس تعدادی از شاخص‌های قابل اندازه‌گیری سنجید. همان‌طور که برخی از اسناد تهیه‌شده در امریکا نیز نشان می‌دهد، بعد اقتصادی جزء بنیادین این برنامه بوده و توان‌مندسازی جوامع به‌لحاظ اقتصادی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری جامعه قابل‌زندگی در این حوزه جغرافیایی است، ابعاد زیست‌محیطی این دستورکار به دنبال نگرش مقیاس فرا محلّه‌ای بر مباحثی چون محیط‌های حفاظت‌شده طبیعی، کیفیت آب و هوا، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و منابع متمرکز است و لذا مباحث مرتبط با مقیاس خرد چون پاکیزگی محیط محلی، سبزبودن و.. که در بستر انگلستان رئوس اصلی برنامه را تشکیل می‌دهد، از اهمیت ناچیزی برخوردارند.

درمقابل با توجه به سیری که از نگرش نهاد معاونت نخست وزیری، در تدوین برنامه

قابلیت‌زندگی در انگلستان ارائه گردید، در این حوزه جغرافیایی، برنامه، دستورکاری است محلی که می‌بایست با تمرکز بر مقیاس محلّه‌ای و عرصه‌های عمومی و با استفاده از داده‌های تجربی و ادراک شهروندان مورد ارزیابی قرار گیرد. بر اساس این تعریف سوژکتیو از قابلیت زندگی، سنجش و ارزیابی قابلیت زندگی، تحقیقی است کیفی که به طور تنگاتنگ با استفاده‌کنندگان از فضا در ارتباط است. از سوی دیگر، براساس مطالعه تاریخی برنامه قابلیت زندگی در انگلستان، هر چند ابعاد محیطی آن در گام‌های نخستین صرفاً دربرگیرنده ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی بوده، ابعاد اقتصادی و توان‌مندی جوامع به‌لحاظ اقتصادی را کاملاً به فراموشی سپرده و قابلیت زندگی محیط را صرفاً در قالب سه گانه‌ی سبز، پاکیزه و ایمن بودن جستجو می‌نماید، در سیری تکاملی، دربرگیرنده ابعادی می‌گردد که پایه‌های ابتدایی قابلیت زندگی را در بستر شکل‌گیری این ایده - امریکا - تشکیل می‌دادند.

پی‌نوشت

1. Live
2. Sustainability
3. Livability
4. To Live
5. To be Alive
6. To make one's life or dwell in certain place
7. Fit to live in, Providing a good quality of life, Being good place to live in
8. Jon Rouse
9. CAGE: Commission for Architecture and the Built Environment
10. It is quality of life as experienced "outdoors" by "people"
11. Place-based
12. National Endowment for the Arts: NEA
13. Environmental Protection Agency
14. Subjective

34. Living Places: Cleaner, Safer, Greener
35. Office of the Deputy Prime Minister
36. State of English Cities- Liveability in English Cities
37. Leicester & Manchester
38. Noise
39. The Urban Environment of England and Wales
40. English House Condition Survey 2003
41. Dirtier- Cleaner?
42. More or less congested?
43. Building quality, Better or Worse?
44. Place quality (Physical)
45. (UTF. 1999)

برای گروه ضربت شهری دست‌یابی به توافق طراحی اولین گام در دست‌یابی به نوزایی شهری است و از این رو، رویکرد این گروه در مداخلات شهری با عنوان Design-led Urban Regeneration بازشناخته می‌شود.

46. Quality of the built environment 'product'
47. Anti social behavior
48. Place quality (Functional)
49. Pedestrian journeys: easier-or harder?
50. Walkability
51. Vitality and viability of services
52. Gated communities
53. Viability
54. Local environmental quality
55. Matthew Carmona
56. Archival
57. Focus groups
58. Stronger
59. Australian Model Code for Residential Development: AMCORD
60. Liveable Neighbourhoods
61. Community design code
62. Visitability & Inclusive design

منابع

- AIA. (The American Institute of Architects). (2005). *Livability 101, What Makes a Community Livable?* New York: AIA.
- AMCORD. (Australian Model Code for Residential Development). (1995). *A National resource document for residential development*. Department of Housing and

15. Partners of Livable Communities: PLC
16. Community
17. Place Rated Almanac

۱۸. روش گرایش‌های جامعه به کار گرفته شده توسط مایرز (Myers.1987) در طرح آستین تگزاس، نمونه‌ای از این دست مطالعات است که کمتر به دنبال امتیازدهی مکان‌ها و استفاده از واژگان مقایسه‌ای "بهرتر" یا "بدتر" برای مقایسه مکان‌ها در مقابل هم است. این رویکرد در سنجش قابلیت‌زندگی به دنبال آن است تا توصیفی واقعی از کیفیت زندگی جامعه ارائه دهد که به طور عمومی، تمام اجزاء جامعه آن را به عنوان پایه‌ای برای تصمیم‌سازی‌های بعدی می‌پذیرند (Myers, 1988, 357). نتایج حاصل از مطالعات او در این تحقیق، نشان داد که ویژگی‌هایی که از سوی تصمیم‌سازان به عنوان عوامل قابلیت‌زندگی محلات بازشناخته شده بودند، ویژگی‌هایی بودند که کمتر از سوی ساکنان معرفی شده بودند (برای مطالعه بیشتر Myers 1988 & 1987).

19. Clinton- Gore Livability Administration (2000). *Building Livable Communities: Sustaining Prosperity, Improving Quality of Life, Building a Sense of Community*
20. Livability Comprehensive Agenda: Building Livable Communities for the 21st Century
21. Economic Growth
22. Preserve green spaces
23. Ease traffic congestion
24. Restore a sense of community
25. Promote collaboration
26. Enhance economic competitiveness
27. American Institute of Architects
28. International Making Cities Livable
29. Leadership in Energy and Environmental Design- Neighborhood Development
30. Towards an Urban Renaissance
31. Urban Task Force
32. Quality of Life & Vitality
33. Design- led Urban Regeneration

- Livelihood and Sustainability*. Berkeley: University of California Press.
- Godschalk, D.R. (2004). 'Land Use Planning Challenges: Coping with Conflicts in Visions of Sustainable Development and Livable Communities'. *Journal of the American Planning Association*, 70(1):5-3.
- Hankins, K.B. and E.M. Powers (2009) 'The disappearance of the state from "livable" urban spaces'. *Antipode*, 41(5):845-866.
- Hovey, B. (2008) 'In search of urban livability' [Review essay]. *Journal of Urban History*, 34: 552- 561.
- IMCL (International Making Cities Livable). (2005). Website. www.Livablecities.org
- Ley, D. (1990) 'Urban Liveability in Context'. *Urban Geography*, 11(1):31-35.
- Massey, D. (2005). 'Liveable Towns and Cities, Approaches for Planners'[Viewpoint]. *Town Planning Review*, 79(3):i-vi.
- McCann, E.J. (2007) 'Inequality and politics in the creative city-region: questions of livability and state strategy'. *International Journal of Urban and Regional Research*, 31(1):188-196.
- McNulty, R.H. and C. Page (eds) (1994). *State of the American Community*. Washington DC: Partners for Livable Communities.
- McNulty, R.H. (1998-2002). *What is Livability?* Presentation at a conference sponsored by the Seoul (South Korea) Metropolitan Government. Retrieved July 14. 2009. from <https://www.econo@metro.seoul.kr>.
- MORI (2005). *MORI — Physical Capital: Liveability in 2005*. London: MORI.
- Myers, D. (1988). Building Knowledge about Quality of Life for Urban Planning. *Journal of the American Planning Association*, 54(3): 347-358.
- Myers, D. (1987). 'Community-Relevant Measurement of Quality of Life: A Focus on Local Trends'. *Urban Affairs Quarterly*. 23(1):108-125.
- Nemati-mehr, M. (2011), *Livable Neighborhood, A place- based Approach to Operational Definitions of* Regional Development. AGPS. Canberra.
- Blumenfeld, H. (1969) 'Criteria for judging the quality of the urban environment'. in H.J. Schmandt and W. Bloomberg (eds) *The Quality of Urban Life: Vol. III. Urban Affairs Annual Reviews*. Beverly Hills: Sage.
- Boyer, R. and D. Savageau (1981) *Places Rated Almanac: Your Guide to Finding the Best Places to Live in America*. NY: Rand McNally.
- CABE (2002). *Streets of Shame- Summary of Findings from 'Public Attitudes to Architecture and the Built Environment'*. London: CABE.
- CABE (2004). *Housing Audit: Assessing the Design Quality of New Homes*. Retrieved Jan 25. 2009. from http://www.thehomebuyersguide.org/downloads/housing_audit_2004.pdf
- Carmona, M. and C. de Magalhães (2009). Local Environmental Quality: Establishing Acceptable Standards in England. *Town Planning Review*, 80 (4-5): 517- 548.
- Carmona, M. and C. de Magalhães (2007). *Local Environmental Quality. A New View of Measurement*. London: DCLG.
- Clinton-Gore Administration (2000). *Building Livable Communities: Sustaining Prosperity. Improving Quality of Life. Building a Sense of Community*. Retrieved May 19. 2009. from www.livablecommunities.gov/report2k/report2k.pdf.
- Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*. London: Streetwise Press.
- DEFRA (Department for Environment, Food and Rural Affairs). (2004). *Delivering the Essentials of Life*. London: DEFRA.
- DETR & CABE. (2000). *By Design: Urban Design in the Planning System: Towards Better Practice*. London: DETR.
- Environment Agency (2002). *The Urban Environment in England and Wales*. London: Environment Agency.
- Evans, P. (2002) 'Introduction: looking for agents of urban livability in a globalized political economy'. in P. Evans (ed.) *Livable Cities? Urban Struggles for*

for Neighborhood Development rating system. pilot version. Retrieved September 25, 2010. from <https://www.usgbc.org/ShowFile.aspx?DocumentID=2845>.

Wheeler, S. (2001) 'Planning sustainable and livable cities'. in R. Le Gates and F. Stout (eds) *The City Reader*. pp. 486-496. London and New York: Rutledge.

Wilson, J. and G. Kelling (1982, March). 'Broken Windows'. *The Atlantic Monthly*. 29-38.



- Neighborhood Livability, Case Study Tehran*. Unpublished Ph.D. Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University. Department of Urban Design & planning.
- NRC (National Research Council). (2002). *Community and Quality of Life: Data Needs for Informed Decision-Making*. Committee on Geography. Board on Earth Sciences and Resources. Washington DC: National Academy Press.
- ODPM (Office of the Deputy Prime Minister) (2006a). *State of English Cities: Liveability in English Cities*. London: ODPM.
- ODPM (Office of the Deputy Prime Minister) (2006b). *State of English Cities: A Research Study*. London: ODPM.
- ODPM (Office of the Deputy Prime Minister) (2004). *Living Places: Caring for Quality*. London: ODPM/RIBA Enterprises.
- ODPM (Office of the Deputy Prime Minister) (2002). *Living Places: Cleaner. Safer. Greener*. London: ODPM.
- PLC (Partners for Livable Communities) (2000). *The Livable City: Revitalizing Urban Communities*. NY: McGraw-Hill.
- PLC (Partners for Livable Communities) (1999). *Livability Directory: A guide to Organizations That Influence the Quality of Life in Communities Nationwide*. Washington DC: Partners for Livable Communities.
- PLC (Partners for Livable Communities) et al (1986). *The Return of the Livable City: Learning from America's Best*. Washington DC: Annapolis Books.
- State of Western Australia (2004). *Liveable Neighbourhoods: Community Design Code*. Western Australian Planning Commission. Perth.
- State of Western Australia (2009). *Liveable Neighbourhoods: A Western Australian Government Sustainable Cities Initiative*. Western Australian Planning Commission. Perth.
- UTF (Urban Task Force) (1999). *'Towards an urban renaissance'*. London: E&FN Spon.
- U.S. Green Building Council (2009). *LEED*

